

وهم: پندار، تصوّر، خیال

روزی: رزق، مقدار خوراک یا وجه معاش که هر کس

یقین: بی شبهه و شک بودن، امری که واضح و

روزانه به دست می آورد یا به او می رسد؛

ثابت شده باشد.

وخلیفة روزی: رزق مقرر و معین

وهم: پندار، تصوّر، خیال

روزی: رزق، مقدار خوراک یا وجه معاش که هر کس

یقین: بی شبهه و شک بودن، امری که واضح و

روزانه به دست می آورد یا به او می رسد.

ثابت شده باشد.

شفیع: شفاعت کننده، پایمرد

ادیب: آداب‌دان، ادب‌شناس، سخن‌دان، در متن درس

به معنای معلم و مربی است.



السلامة العامة

الحمد لله الذي جعلنا من
أهل البيت من آل الله



بسم الله الرحمن الرحيم



تداعی: یادآوری، تداعی شدن: به خاطر آوردن چیزی

جزاره: ویژگی نوعی عقرب زرد بسیار سمی که
دُمش روی زمین کشیده می شود.

چریغ آفتاب: طلوع آفتاب، صبح زود

چشمگیر: شایان توجه، باارزش و مهم

حواله: نوشته ای که به موجب آن دریافت کننده ملزم
به پرداخت پول یا مال به شخص دیگری است.

رواق: بنایی با سقف کنبدی یا به شکل هرم،

ایوان، پیشگاه خانه

تداعی: یادآوری، به خاطر آوردن

جزاره: ویژگی نوعی عقرب زرد بسیار سمی که
دُمش روی زمین کشیده می شود.

چریغ آفتاب: طلوع آفتاب، صبح زود

چشمگیر: شایان توجه، باارزش و مهم

حواله: نوشته ای که به موجب آن دریافت کننده ملزم
به پرداخت پول یا مال به شخص دیگری است.

رواق: بنایی با سقف گنبدی یا به شکل هرم

نَمَط: بساط شطرنج

درس نهم: کویر

روان خوانی: بوی جوی مولیان

آستانه: آستان، آغاز

ابدیت: جاودانگی، پایداری، بی‌کرانگی

ارادت: میل و خواست، اخلاص، علاقه و محبت

همراه با احترام

استشمام کردن: بوییدن، بوی چیزی را احساس

شبدر: گیاهی علفی و یک‌ساله؛ شبدر دوچین: شبدری که قابلیت آن را دارد، دو بار پس از رویدن چیده شود.

شیهه: صدا و آواز اسب

طفیلی: منسوب به طفیل، وابسته، آن که وجودش

یا حضورش در جایی، وابسته به وجود کس یا چیز

دیگری است؛ میهمان ناخوانده

عدلیه: دادگستری

غرفه: بالاخانه، هر یک از اتاق‌های کوچکی که

در بالای اطراف سالن یا یک محوطه می‌سازند که

مشرف بر محوطه است.

کامل و مرشد را گویند.

نَمَط: بساط شطرنج

درس نهم: کویر

روان خوانی: بوی جوی مولیان

آستانه: آستان، آغاز

ابدیت: جاودانگی، پایداری، بی‌کرانگی

ارادت: میل و خواست، اخلاص، علاقه و محبت

همراه با احترام

استشمام: بویدن

شبدِر: گیاهی علفی و یک‌ساله؛ شبدِرِ دوچین: شبدری که قابلیت آن را دارد، دو بار پس از رویدن چیده شده باشد.

شیهه: صدا و آواز اسب

طفیلی: منسوب به طفیل، وابسته، آن که وجودش یا حضورش در جایی، وابسته به وجود کس یا چیز دیگری است؛ میهمان ناخوانده

عدلیه: دادگستری

غرفه: بالاخانه، هر یک از اتاق‌های کوچکی که در بالای اطراف سالن یا یک محوطه می‌سازند که مشرف بر محوطه است.

ماوراء: فراسو، آن سو، ماسوا، برتر

ماوراءالطبیعه: آنچه فراتر از عالم طبیعت و ماده

باشد؛ مانند خداوند، روح و مانند آنها

ماوراءالطبیعه: آنچه فراتر از عالم طبیعت و ماده

باشد؛ مانند خداوند، روح و مانند آنها



کائنات میں ہر شے کا مقصد ہے



مقدمه

کتابخانه



انضمام: ضمیمه کردن؛ به انضمام: به ضمیمه، به همراه، به علاوه

بادی: آغاز (در اصل به معنی آغاز کننده است)

بحبوحه: میان، وسط

بدقواره: آن که یا آنچه ظاهری زشت و نامتناسب دارد؛ بد ترکیب

بذله: شوخی، لطیفه

برجک: سازه چرخانی که روی تانک قرار دارد و به

کمک آن می توان جهت شلیک توپ را تغییر داد.

بقولات: انواع دانه های خوراکی بعضی گیاهان

مانند نخود و عدس، حبوبات

بلامعارض: بی رقیب

بَلَعْتُ: فرو بردم، بلعیدم؛ صرف کردن صیغه

بَلَعْتُ: خوردن

پتیاره: زشت و ترسناک

پرت و پلا: بیهوده، بی معنی؛ به این نوع ترکیب ها

که در آنها لفظ دوم، اغلب بی معنی است و برای

تأکید لفظ اول می آید، «مرکب اتباعی» یا «اتباع»

انضمام: ضمیمه کردن؛ به انضمام؛ به ضمیمه، به همراه

بادی: آغاز (در اصل به معنی آغازکننده است)

بحبوحه: میان، وسط

بدقواره: آن که یا آنچه ظاهری زشت و نامتناسب دارد؛ بدترکیب

بذله: شوخی، لطیفه

برجک: سازه چرخانی که روی تانک قرار دارد و به کمک آن می‌توان جهت شلیک توپ را تغییر داد.

بقولات: انواع دانه‌های خوراکی بعضی گیاهان مانند نخود و عدس، حبوبات

بلامعارض: بی‌رقیب

بَلَعْتُ: فرو بردم، بلعیدم؛ صرف کردن صیغه
بَلَعْتُ: خوردن

پتیاره: زشت و ترسناک

پرت و پلا: بی‌هوده، بی‌معنی؛ به این نوع ترکیب‌ها که در آنها لفظ دوم، اغلب بی‌معنی است و برای